

فلسفه و منطق

۱- گزینه «۳» - اگر و آن‌گاه، ادات و حروف شرطی متصل و «یا» حرف شرطی منفصل است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲» و «۱»: قسمت اول گزینه فاقد نشانه‌ی شرطی منفصل است.

گزینه «۴»: پس و بنابراین و در نتیجه نشانه‌های نتیجه هستند. (لطفی) (منطق دهم - درس نهم - صفحات ۸۹ و ۹۰)

۲- گزینه «۴» - مقدم در معنای شرط و تالی در معنای جواب شرط است یعنی تالی قضیه شرطی متصل در معنای تالی و دنباله‌ی مقدم است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲» و «۱»: شرطی متصل قضیه شرطی‌ایی است که در آن به پیوستگی و اتصال میان دو یا چند نسبت (اگر باران ببارد زمین خیس می‌شود) و یا

عدم پیوستگی و اتصال دو یا چند نسبت (اگر باران نبارد زمین حاصلخیز نمی‌شود) حکم می‌کند.

گزینه «۳»: ملاک شرطی بودن قضیه در برای حملی بودن قضیه، مشروط بودن حکم و قضاوت در قضا‌بای شرطی است.

(لطفی) (منطق دهم - درس نهم - قضیه شرطی و قیاسی استثنایی - صفحه ۸۹)

۳- گزینه «۱» - محصوره یا موجه کلی است یا موجه جزئی ← شاید هیچ‌کدام: منفصل غیر قابل جمع در صدق یا مانعة الجمع

علم یا تصور است یا تصدیق ← یا این است یا آن و حالت دیگری ندارد: منفصل حقیقی و تام

انسان یا به اندازه کافی تلاش نمی‌کند یا موفق می‌شود ← شاید هر دو: منفصل غیر قابل جمع در کذب یا مانعة الرفع

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲»: قسمت دوم و سوم غلط است.

گزینه «۴» و «۳»: قضیه اول منفصل غیر قابل جمع در صدق یا مانعة الجمع است. (لطفی) (منطق دهم - درس نهم - قضیه شرطی و قیاسی استثنایی - صفحه ۸۹)

۴- گزینه «۲» - در قیاس استثنایی متصل، ۴ حالت یا صورت داریم که دو حالت آن معتبر است: وضع مقدم و رفع تالی، و دو حالت آن نامعتبر است:

رفع مقدم و وضع تالی

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: این نتیجه عین تالی است که از استثنای عین مقدم (وضع مقدم) به دست آمده و معتبر است نه مغالطه

گزینه «۳»: استثنای نقیض مقدم، رفع مقدم است و نامعتبر و مغالطه

گزینه «۴»: نتیجه‌ی او منطق خوانده است از وضع مقدم به دست خواهد آمد که معتبر است.

(لطفی) (منطق دهم - درس نهم - قضیه شرطی و قیاسی استثنایی - صفحه ۸۹)

۵- گزینه «۲» - تفکر کردن (اندیشیدن) درباره نحوه صحیح تفکر است. اندیشه با اندیشیدن به لحاظ مفهومی متفاوت است زیرا مفهوم اندیشه به

نظریه و تئوری‌های مطرح شده در گذشته و حال مربوط می‌شود ولی مفهوم اندیشیدن یا تفکر به فکر کردن یک شخص راجع به یک مسأله یا

معرفت یا باور در زمان حال اشاره دارد.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۴» و «۳» و «۱»: تعبیرهای کتاب درسی در مورد تفکر نقادانه یا سنجش‌گرانه است. (لطفی) (منطق دهم - درس دهم - سنجش‌گری در تفکر - صفحه ۱۰۳)

۶- گزینه «۱» - مغالطه بار ارزشی کلمات است که جزو مغالطه در الفاظ و تعریف است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲»: مغالطه تله‌گذاری است که به تأثیرگذاری روانی یا ادعای بدون استدلال مربوط می‌شود.

گزینه «۳»: مغالطه مسموم کردن چاه است که به تأثیرگذاری روانی بدون دلیل و استدلال مربوط می‌شود.

گزینه «۴»: مغالطه تله‌گذاری است. (لطفی) (منطق دهم - درس دهم - سنجش‌گری در تفکر - صفحه ۱۰۳)

۷- گزینه «۲» - مغالطه مسموم کردن چاه است زیرا اگر کسی بخواهد این ادعا را نقد کند به غیر عاقل بودن و احمق بودن متهم می‌شود.
تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۴» و «۳» و «۱»: نوع مغالطه به درستی ذکر شده است. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس دهم - سنجش‌گری در تفکر - صفحه ۱۰۳)

۸- گزینه «۴» - حیوان جنس انسان (اشتراک انسان با سایر حیوانات در غرایز حیوانی) و تفکر فصل انسان (ممیز و جداکننده انسان از سایر حیوانات و افتراق و تفاوت انسان با سایر موجودات) است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: در قسمت دوم گزینه ترتیب رعایت نشده است.

گزینه «۳» و «۲»: قسمت اول گزینه نادرست است. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس نهم - چستی انسان - صفحه ۶۲)

۹- گزینه «۲» - ماتریالیسم یا مادی‌گرایی انسان را مانند سایر پدیده‌های مادی صرفاً موجودی مادی می‌داند که هیچ جنبه مجرد از ماده در آن وجود ندارد. از نظر دکارت منظور از «من» همان «ذهن» است که مرکز اندیشه‌ها و افکار انسان است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: قسمت آخر گزینه نادرست است.

گزینه «۴» و «۳»: قسمت‌های اول و دوم و هر دو گزینه نادرست است. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس نهم - چستی انسان - صفحه ۶۲)

۱۰- گزینه «۲» - در حکمت متعالیه صدرایی، روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۴» و «۳» و «۱»: تعبیر کتاب درسی است. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس نهم - چستی انسان - صفحه ۶۲)

۱۱- گزینه «۴» - از نظر افلاطون انسانی که اراسته به چهار فضیلت «حکمت و خویشتن‌داری (عفت) و شجاعت و عدالت» است نیک‌بخت است و این معیار میان همه انسان‌ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی‌کند.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: قسمت سوم گزینه نادرست است زیرا سفاقت به معنای حماقت است نه نادانی

گزینه «۲»: قسمت دوم و سوم گزینه نادرست است.

گزینه «۳»: قسمت دوم گزینه نادرست است. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس دهم - انسان موجودی اخلاق‌گرا - صفحه ۷۰)

۱۲- گزینه «۱» - فیلسوفان طبیعت‌گرا و «عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند» ریشه‌های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می‌کنند.

تحلیل گزینه‌های نادرست

گزینه «۴» و «۳» و «۲»: تعبیر کتاب درسی در مورد معیار فعل اخلاقی از نظر فلاسفه طبیعت‌گرا است.

(لطفی) (فلسفه یازدهم - درس دهم - انسان موجودی اخلاق‌گرا - صفحه ۷۱)

۱۳- گزینه «۳» - ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان «عقل» را «منبع شناخت فضیلت‌ها و ردیلت‌ها» می‌دانند و «عقل عملی» را «ابزار تشخیص رفتار خوب و بد انسان» دانسته‌اند. عقل عام‌تر و کلی‌تر از عقل عملی است و به نظری و عملی تقسیم می‌شود.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۴» و «۲» و «۱»: تعبیرهای کتاب درسی در مورد نظر ابن سینا و فلاسفه مسلمان در مورد فعل اخلاقی و معیار آن است.

(لطفی) (فلسفه یازدهم - درس دهم - انسان موجودی اخلاق‌گرا - صفحه ۷۰)

۱۴- گزینه «۴» - جایگاه ممتاز عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان سبب «حرکت عمومی مسلمانان» به سوی علم و دانش در حوزه‌های مختلف شد.

(لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هشتم - عقل در فلسفه (۲) - صفحه ۵۶)

۱۵- گزینه «۳» - در حکمت مشایی فارابی و ابن‌سینا تعداد واسطه‌های خداوند در آفرینش ده عقل هستند که اولین آن‌ها عقل اول است که اولین مخلوق خداوند است و آخرین آن‌ها عقل دهم یا فعال است که بلافاصله بالای عالم طبیعت مادی قرار گرفته است و مقام و منزلت آن نسبت به انسان از نظر فارابی مانند نسبت قلب به بدن یا آفتاب نسبت به چشم است.

گزینه «۲» و «۱»: عقل معانی متعدد داشته و عام‌تر و کلی‌تر از عقل فعال یا عقل دهم است.

گزینه «۴»: قسمت دوم گزینه نادرست است زیرا مخلوقات پایین‌تر از عقل فعال متعدد بوده و عام‌تر و کلی‌تر از عقل انسان است.

(لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هشتم - عقل در فلسفه (۲) - صفحه ۵۶)

۱۶- گزینه «۲» - عموم فلاسفه مسلمان همه کارکردهای عقل و انواع استدلال‌ها را در جایگاه خود، روشی درست برای کسب دانش به حساب می‌آورند.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱» - فیلسوفان مسلمان (فلاسفه مشایی) اولین مخلوق خداوند را عقل اول می‌دانند.

گزینه «۳»: انواع استدلال‌ها از جمله استدلال تجربی، تمثیلی و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می‌آیند.

گزینه «۴»: استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است نه یکسان. (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هشتم - عقل در فلسفه (۲) - صفحه ۵۶)

۱۷- گزینه «۴» - از همان عصر رسول خدا (ص) بحث و گفتگوی عقلی در مسایل اعتقادی آغاز شد.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۳» و «۲» و «۱»: تعبیرهای کتاب درسی در مورد زمینه‌های رشد فلسفه و عوامل مؤثر در شکل‌گیری حیات عقلی و تعقلی جامعه اسلامی و جهان اسلام است. (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس نهم - آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱) - صفحه ۶۶)

۱۸- گزینه «۲» - فلسفه اسلامی در آغاز متکی بر آراء ارسطو بود و به تبع ارسطو سرشتی استدلالی داشت و در مباحث فلسفی بر قیاس برهانی تکیه می‌کرد. این شیوه تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اول آن یعنی ارسطو به حکمت مشاء معروف شد.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱» - علمی ابن‌سینا نادرست است، نبوغ استدلالی ابن‌سینا صورت استدلال فلسفه اسلامی را با ظریف‌ترین موشکافی‌ها آراست.

گزینه «۴» و «۳»: استدلالی ذوقی یعنی ترکیب عقل و سلوک قلبی و معنوی به حکمت اشراق سهروردی مربوط می‌شود نه حکمت مشاء فارابی و ابن‌سینا (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس نهم - آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱) - صفحه ۶۶)

۱۹- گزینه «۲» - شیوه استدلال و قیاس برهانی در تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اول آن، ارسطو به حکمت مشاء معروف شد.

فارابی و ابن‌سینا بزرگ‌ترین حکمای مشایی مسلمان محسوب می‌شوند.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: معلم اول لقب ارسطو است.

گزینه «۴» و «۳»: فارابی را بنیان‌گذار و مؤسس شیوه مشایی در فلسفه اسلامی می‌دانند.

(لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس نهم - آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱) - صفحه ۶۶)

۲۰- گزینه «۳» - در نظریه سیاسی مدینه فاضله فارابی، هدف اصلی از اجتماع «دستیابی به سعادت دنیا و آخرت» است. مدینه فاضله فارابی در برابر مدینه جاهله او قرار می‌گیرد که هدف آن تنها برخورداری از سلامت جسمی و فراوانی لذت‌های مادی و جسمانی است.

تحلیل گزینه‌های نادرست:

گزینه «۲» و «۱»: هدف اصلی جامعه و مدینه در نظریه سیاسی فارابی، سعادت دنیا و آخرت هر دو با هم است نه فقط سعادت آخری یا فقط سعادت دنیوی

گزینه «۴»: مدینه فاسقه یکی دیگر از انواع مدینه‌های فارابی است و در نظریه سیاسی فارابی، جامعه‌ای است که فرهنگ آن فرهنگ حق است

ولی رفتار و اعمال مردم آن جامعه متناسب با فرهنگ حق نیست. (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس نهم - آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱) - صفحه ۶۶)